



## تسلط روسها بر مرو - پایان استقلال ترکمن‌ها ۱۸۸۴ - ۱۸۸۱ میلادی

الهامة مفتاح

مبات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### نگاهی به گذشته

ترکمن‌ها در تاریخ پرفراز و نشیبشان و از زمان مهاجرت اکثریت سردمشان، یعنی اغوزها (غزها) در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی به جانب غرب، موفق به ماندگاری و استقرار در قلمرو ملل کوچک آسیای مرکزی شدند. همچنین توانستند ویژگیها و مشخصات ملی خود را طبق قوانین سنن غیرمکتوبشان که «توره»<sup>\*</sup> نامیده می‌شد، حفظ کنند. در واقع ترکمن‌ها به عنوان یک ملت کوچک مرهون و مدیون این «توره» بودند. دوره بین قرن پانزدهم تا نوزدهم میلادی که طی آن بیشتر حاکمیت و

---

\* برای اطلاع بیشتر: ر.ک به: الهامة مفتاح، مقاله «فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای

ترکمن‌ها»، در مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۱

قدرت خیه را پذیرفتند، تا حدودی برایشان دردناک بود، زیرا ناگزیر از شرکت در کشمکش و منازعه دائمی بین خانان ازبک آسیای مرکزی و ایرانی‌ها بودند. تا شروع قرن نوزدهم، ترکمن‌ها تصمیم گرفتند از شرکت در منازعات ایرانی - خیه‌ای، خودداری نمایند. لکن این حالت استقلال مآبانه ترکمن‌ها، آنها را در معرض تحمل فشارهای شدید، نه تنها از جانب خیه‌ای‌ها، بلکه از سوی حکام ایرانی نیز قرار داد. آنها نیاز فراوانی به جبران لطماتی که از جانب روسها در بین سنوات ۱۸۱۰ و ۱۸۲۰م. بر آنها وارد آمده بود، داشتند.

جالب توجه‌ترین مسئله این بود که خطر مشترک باعث شد تا اکثر قبایل ترکمن که تا آن زمان تا حدودی نامتحد و نامتشکل بودند، با یکدیگر متحد گردند. ترکمن‌ها تحت رهبری قشیدخان\* و نوروردیخان\*\* شجاعانه علیه مقتدرترین دشمنانشان مبارزه کردند و مصمانه و پی در پی آنان را شکست دادند. در نتیجه فتوحات دلیرانه، آنان مردمی متکی به خود و مستقل گردیدند.

در بدو امر، چنین به نظر می‌رسید که رؤیاها و آمال مخدوم‌قلی شاعر ملی ترکمن‌ها، در باب اتحاد و استقلال به حقیقت پیوسته است. در حالی که این امر، پس از هشتاد سال که از مرگ او می‌گذشت، محقق گردید. برای ترکمن‌ها، این استقلال بسیار پرازش بود. زیرا در راه آن بسیاری از افراد خود را از دست دادند و اقتصاد نیمه صحرائنشین آنان تقریباً مضمحل شده بود. با وجود این، پس از استقلال موفق شدند با ساختن سدها و کانالهای آبیاری بویژه بر روی رود مرغاب از لحاظ اقتصادی

\* Kashid - Khan.

\*\* Nur Verdi Khan.

جانی تازه بگیرند. لکن بدشانسی آنان این بود که استقلال خود را در ادوار امپریالسم به دست آورده بودند و در نتیجه استقلالشان از طرف روسهایی که مرتباً به خان‌نشینهای خوقند و بخارا در نیمه دوم سالهای ۱۸۶۰م. هجوم می‌بردند، در معرض تهدید قرار داشت.

روسها همیشه نگران امکان برخورد با انگلیس، بخصوص از زمان جنگهای کریمه بودند و از این رو، اکثر قلمروهای خوقندیان و بخارائیان را در آسیای مرکزی بدون در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی مورد اشغال قرار داده بودند، و مرادشان این بود که تفوق سوق‌الجیشی علیه هند انگلیس به دست آورند، و علاوه منابع اقتصادی آن مناطق رانیز تحت کنترل و نظارت داشته باشند. علاوه بر اینها روسها، ناراضی از این دست‌آوردشان در سال ۱۸۶۹م. خاک ترکمن‌ها را در سواحل شرقی بحر خزر به قصد فتح سومین خان‌نشین آسیای مرکزی یعنی خیه به اشغال خود در آوردند.

فتح خیه در تابستان ۱۸۷۳م. به وقوع پیوست و متعاقب آن ترکمن‌های يموت آن خان‌نشین، با خونسردی تمام قتل عام شدند و در سال بعد یعنی ۱۷۸۴ تشکیل ناحیه نظامی ماورای خزر را اعلام نمودند که شامل سرزمینهای ترکمنی از خزر تا به آخال می‌شد. تجاوزهای روس‌ها سبب آگاهی و بیداری ترکمن‌ها گردید. آنان می‌دیدند که آینده استقلالشان در خطر است و همراه با افزایش اضطراب و نگرانی روزافزونشان، کوشیدند تا برای جلب حمایت علیه خطر روس‌ها، خود را به افغانها و انگلیس‌ها نزدیک سازند. با وجود این، انگلیس‌ها به روشی دوستانه و مسالمت‌آمیز، درخواست کمک آنان را نادیده گرفتند و این

روش را نیز به افغانها توصیه کردند. نومیدی و تلخکامی بزرگ ترکمن‌ها این بود که پی بردند انگلیس‌ها علی‌رغم احساسات صمیمانه‌ای که از خود بروز می‌دادند، هیچ کمکی به آنان نخواهند کرد. بدین جهت برای دریافت کمک به دامان ایرانیان چنگ آویختند. خط مشی موجود که بر ترکمن‌های یموت تحمیل شده بود، از طرف حکمرانان مرزی خراسان که با قیمت‌های گزاف از طریق رشوه‌خواری به دست آمده بود، اعمال می‌شد. بعدها مقامات تقریباً بی‌طرف، این بیعدالت‌های حکام وقت را نسبت به ترکمن‌ها تأیید و تصدیق کردند. رابینو در این مورد گفته است:

«... گوکلان‌ها و یموت‌ها، اتباع وفاداری به اعلیحضرت پادشاه می‌باشند و همواره آماده خدمتگذاری. لکن حکام و اشخاص مقتدر صاحب مقام به خاطر کسب منافع بیشتر، و همچنین افزایش قدرت و اعتبارشان، پیوسته قسمتی و یا اکثر ترکمن‌ها را به عنوان یاغیان علنی دولت معرفی کرده، بلافاصله اوامر مؤکدی برای تنبیه آنها صادر می‌کردند. ترکمن‌های بی‌گناه توسط حکام استرآباد و شهرهای مجاور مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند...»<sup>(۱)</sup>

از طرف دیگر ترکمن‌ها علاوه بر اینکه از جلب کمک و حمایت کشورهای همجوار ناامید بودند، در معرض فشار هر چه بیشتر روس‌ها نیز قرار می‌گرفتند. از سوی دیگر احساسات ضدانگلیسی نیز در میان روس‌ها هر چه بیشتر افزایش می‌یافت. زیرا انگلیسی‌ها در آخرین مرحله جنگ روس - ترک در ۱۸۷۷-۷۸ مداخله کرده بودند. حال دیگر روس‌ها

۱. رابینو، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

طرح فتح سراسر ترکمنستان را در سر می‌پروراندند.

عدم تساوی تسلیحاتی بین ترکمن‌ها و روسها چشمگیر بود. ژنرال لوماکین\* فرمانده قوای روس، خودسرانه و به طور مداوم استحکامات گوگ تپه را بمباران می‌کرد. گوگ تپه‌ای که سنگر و پناهگاه ترکمن‌ها در نخستین مبارزاتشان در ۱۸۷۹ بود. ترکمن‌ها علی‌رغم خسارات و صدمه‌های سنگینی که متحمل شدند، شجاعانه از خود دفاع کرده و دشمن را به یک عقب‌نشینی مفتضحانه واداشتند. آنها هر چند که روس‌ها را شکست داده بودند، ولی می‌دانستند که آنان باز خواهند گشت. بنابراین بار دیگر بیهوده دست به دامان انگلیس‌ها شدند. روس‌ها این بار با تسلیحات و گروههای بیشتر بازگشتند. دفاع مجدد از گوگ تپه علی‌رغم شجاعت و رشادت ترکمن‌ها ممکن نبود. روسها تحت فرمان فرمانده جدیدشان ژنرال اسکوبلف\*\* - که سوگند یاد کرده بود انتقام مرگ همزمانش در مبارزات قبلی را بازستاند - شکست سختی بر آنان وارد آوردند.

اسکوبلف با نارضایتی از پیروزی نظامی، در رأس سواره نظام - زنان و کودکان ترکمن در حال فرار را در گوگ تپه تعقیب و حدود ده هزار تن از آنان را با خونسردی ولی قساوت هر چه تمامتر قتل عام کرد. این ضربه مهلک بر ترکمن‌ها که بسیاری از مردمشان، اموالشان و مایملکشان را به روسهای متجاوز تسلیم کرده بودند، نقطه پایانی برای آنها به عنوان یک ملت مستقل بود. این بهایی بود که آنان برای پیروزیهای اولیه خود در ۱۸۷۹ پرداختند و چه بهایی هنگفتی.

\* Lomakin

\*\* Skoblev

تهاجم مخرب و ویرانگر روسها به ترکمنستان و کشتار دسته‌جمعی مردم ترکمن، صرفاً عملیاتی و حثیانه از جانب امپریالیسم روس بوده است. ترکمن‌ها هرگز هیچ تجاوزی نسبت به روسها مرتکب نشدند. آنها آنچه را که می‌خواستند، داشتند. فقط در این آرزو بودند که آنچه دارند یعنی سرزمین و استقلالشان را حفظ کنند<sup>(۱)</sup>. پس از شکست گوگ تپه ترکمن‌ها بار دیگر نومیدانه و برای آخرین بار ولی باز هم بی‌هوده برای جلب حمایت به جانب انگلیسی‌ها - که در آن موقع با مشکلات فراوانی دست به گریبان بوده، چندان اهمیتی هم به سرنوشت مردم کوچک و دورافتاده‌ای چون ترکمن‌ها نمی‌دادند - روی آوردند. روس‌ها فشارهای خود را بر ترکمن‌ها افزایش داده بودند تا حاکمیت خود را در قسمتهای باقیمانده از ترکمنستان برقرار سازند. بدین منظور اولتیماتومی به ترکمن‌ها دادند که یا تسلیم شوند و یا خود را برای رویارویی دوباره با نیروهای روس آماده سازند.

از آنجایی که هیچ روزنه‌ی امیدی برای پشتیبانی از جانب هیچ کشور همجواری وجود نداشت، ترکمن‌ها جرأت نکردند تا با سلاحهای قاتل روسها رویاروی شوند. در نتیجه به این اتمام حجت تن دردادند و حاکمیت دولت روس را پذیرفتند. بدین ترتیب استقلال ترکمن‌ها به پایان رسید. آنان گذشته از استقلالشان، مردم و زندگی اقتصادیشان را هم از دست دادند. لرد کرزن هنگامی که در سال ۱۸۸۶ ضمن سفرش به هندوستان از ترکمنستان بازدید به عمل آورد، فقر و ترس از مظالم روسها

1. G.C. Napier. *Collections of Journals and Reports received from the Hon., G.C. Napier, on Special Duty in Persia*, 1874. London. P.51.

را بخوبی مشاهده کرده است<sup>(۱)</sup>. از نظر انگلیس‌ها تاجایی که به دفاع از مستعمره‌شان در هند مربوط می‌شد، افغانستان مهمترین کشور به شمار می‌رفت که لازم بود دور از خطر نگاه داشته شود. تا زمانی که افغانستان نسبت به هندوستان روش دوستانه و مسالمت‌آمیز داشت و تحت نفوذ هیچ قدرت ضد انگلیسی قرار نداشت، دولت انگلیس هیچ مخالفتی با پیشرویهای روس‌ها در آسیای مرکزی از خود نشان نمی‌داد. الا کوته زمانی طی سالهای ۱۸۳۰، و این زمانی بود که پس از اغتشاش هرات در ۱۸۳۸ سرجان مک نیل وزیر انگلیس در تهران به دولت متبوع خویش پیشنهاد کرد که لازم است روشی دوستانه نسبت به خان‌نشینهای آسیای مرکزی اتخاذ گردد. بویژه خپوه رابه خاطر حفاظت از هرات و نیز واحه مرو را به عنوان نقاط کلیدی در دفاع از هندوستان مورد نظر قرار دهند. بنابر رویه و مشی کارساز و قوی او بود که دولت انگلیس گروهی از افسران را برای برقراری روابط دوستانه با حکام، به خان‌نشینهای آسیای مرکزی اعزام داشت.

تقریباً به مدت ده سال هیچ‌گونه فعالیت انگلیسی در آسیای مرکزی دیده نشد. اما پس از جنگ کریمه، و برخورد با ایران بر سر مسئله هرات، انگلیس مرکز فعالیت‌هایش را برای دفاع از هند، از افغانستان تا ایران گسترش داد. جایی که روسها از اواخر سالهای ۱۸۳۰ در آن منطقه نفوذ بسیار داشتند. طی همین دوران عدم توجه به آسیای مرکزی بود که انگلستان آگاهانه یا ناآگاهانه به روس‌ها اجازه داد که خان‌نشینهای آسیای

1. G.N. Curzon, *Russian in Central Asia in 1889 and the Anglo - Russian Question*, London, 1889. pp. 80 - 87.

مرکزی را فتح کنند و یکی پس از دیگری به اعتراضهای مردم آسیای مرکزی علیه روس‌ها و تقاضاهای حمایت از آنان، پشت کردند.

پس از سقوط خیوه، روس‌ها ناحیه نظامی ماورای خزر را در ۱۸۷۴ تأسیس کردند و از این رو، انگلیس شروع به توجه بیشتر به امور ترکمن‌ها و فعالیت روس‌ها در ترکمنستان نمود. در اواخر سال ۱۸۷۴ کاپیتان ناپیر\* یکی از هوشمندترین، تواناترین و دانشمندترین افسران انگلیس - به منظور مطالعه و تحقیق در امور ترکمن‌ها و تهیه گزارش از فعالیتهای روس‌ها به مرز ایران - ترکمن اعزام گردید. که این مأموریت سبب وقوف کامل و روشن شدن تصور واقعی امور ترکمن‌ها و فعالیتهای روس‌ها در ترکمنستان گردید، و بدین قرار بود که فشارهای دیپلماسی و سیاسی بر روسیه اعمال شد و از آنان استفسار شد که آیا تا چه اندازه می‌خواهند مرزهایشان را به جانب مرو و هرات توسعه و گسترش دهند. روس‌ها آنچنان که طی کسب فتوحاتشان در خان‌نشینها هم این روش را اعمال کرده بودند، به انگلیس‌ها اطمینان دادند که آنها هیچ قصدی در اشغال سرزمینی که متعلق به ترکمن‌ها بود، نداشتند و این پیشامدها و حوادث بود که آنان را مجبور به پیشروی بیشتری کرد و گرنه آنها هرگز تا حدود مرو پیشروی نمی‌کردند.

باید گفت که روس‌ها هرگز قول و قرارهای خود را محترم نشمردند و بدون تردید مقامات انگلیسی نیز از غیر قابل اتکا بودن اقوال روس‌ها آگاهی داشتند. لکن هنوز ترجیح می‌دادند از یک رویه و خط مشی نه چندان روشن پیروی کنند. زیرا مایل نبودند هیچ‌گونه برخورد و اختلافی با

\* Napier

روس‌ها بر سر مسائل آسیای مرکزی داشته باشند. آنان می‌اندیشیدند که منافعتشان در آسیای مرکزی، ارزش جنگیدن با روس‌ها را ندارد.

حیرت‌آورترین نقشه انگلیس برای دفاع از هندوستان، تشویق ایران به گسترش نفوذ خود به سوی مرو بود. مقامات انگلیسی، ایرانی‌ها را ترغیب می‌نمودند تا ادعای حاکمیت و تفوق بر ترکمنستان را داشته باشند. آنها فکر می‌کردند که یک ایران قوی و مقتدر، مانع و سدی محکم بین هرات و روس‌ها در آسیای مرکزی ایجاد خواهد کرد. با این همه، این حقیقت روشن رانادیده می‌گرفتند که ایران هیچ ادعایی بر حکومت و سیاست بر ترکمنستان رانادارد. در حالی که چنین ادعایی از طرف روس‌ها غیر قابل قبول نبود. غیرممکن است فرض شود که دولت انگلیس از این حقایق آگاه نبوده باشد. در این میان سررونالد تامسن\* سفیرکبیر بریتانیا در ایران که از امور ترکمن‌ها آگاهی داشت، طرح و نقشه‌ای مستدل و منطقی برای حل مسئله دفاع از هندوستان و مشکل ترکمن‌ها پیشنهاد کرد که عبارت بود از اتحاد و یکی کردن ناحیه مرو و هرات. تامسن چنین اظهار نظر کرد که ترکمن‌ها و افغان‌ها هر دو از یک آیین مذهبی (تسنن) پیروی می‌کنند و از این رو ارتباط و همبستگی بین دو طرف دوستانه بوده و ترکمن‌ها مایل بودند که حاکمیت امیر افغانستان را بپذیرند. با این همه این طرح از طرف دولت انگلیس مورد قبول قرار نگرفت. زیرا نمی‌خواست در مشکلات ترکمن‌ها، تا هنگامی که روس‌ها قولشان را محترم نگه می‌دارند، مداخله کند. لیکن روس‌ها طبق معمول به قول خود وفا نکردند و پس از نابود کردن ترکمن‌های آخال، در دومین یورش به گوگ تپه در

\* Sir Ronald Thamson



۱۸۸۱ با پیشروی به سوی مرو، بر فشار خود افزودند و در عشق‌آباد توقف کردند.

### تسلط روس‌ها بر مرو - پایان استقلال ترکمن‌ها

سقوط گوگ تپه در ژانویه ۱۸۸۱، نقطه عطف وحشتناکی در تاریخ ترکمن بود. کشتار فجیع دسته جمعی که بیش از هشت هزار نفر از مردم بی دفاع ترکمن رادر بر گرفت، پس از سقوط گوگ تپه ضربه شدیدی بر ترکمن‌ها وارد ساخت و آنان را به شدت دچار وحشت کرد. این واقعه، مقاومت ترکمن‌ها را در مقابل خصم متزلزل ساخت. در نتیجه بیشتر ترکمن‌های آخال و فرمانده شجاعشان سردار تکما\* هیچ راه مفر دیگری جز پذیرفتن حاکمیت روس‌ها و برگشت به آخال نداشتند<sup>(۱)</sup>. با این همه، اکثریت عظیمی از ترکمن‌های مرو، تجن و یولاتان، هنوز هم مصمم بودند از سرزمینشان در مقابل روس‌ها دفاع کنند<sup>(۲)</sup>. ترکمن‌ها هنگامی که از

\* Takma - Sardar

۱. آقا کریم Agha - Karryev مورخ نامی ترکمن، از تصمیم سردار تکما شدیداً انتقاد نموده و او را یک خائن که به مردم خویش پشت کرده، خوانده است (ر.ک. به: حمله و اشغال ترکمنستان توسط تزاریسیم).

A. Karryev. *Tsarizmin Turkmenistany basyp almagy* (1868 - 1885). *Mugallymlara Komek, No 10*, Ashkhabad, 1940. P.42.

۲. مختوم قلی خان (پسر دوم نوروردیخان «با مخدوم قلی شاعر نباید اشتباه شود.») مأمور در مشهد، ۱۸ آوریل ۱۸۸۲، پیوست نامسن شماره ۸۶ از سال ۱۸۸۲، نامه‌های محرمانه و ضمائم آن مربوط به ایران، ضمیمه S، P یادداشت ۹/۱۳۸.

توقف روس‌ها در عشق‌آباد آگاه شدند و اینکه خیال پیشروی به جانب مرو را ندارند، تا حدی شگفت‌زده شدند. در واقع این صحت داشت که روس‌ها نمی‌خواستند رو به جانب مرو پیشروی کنند. زیرا مایل نبودند با پیشرفت سریع به سوی مرو و هرات، موجبات ناراحتی انگلیس‌ها را فراهم سازند. علاوه بر آن، همان طور که گفته شد، به انگلیس این اطمینان را داده بودند که تا مرو پیش نروند. طبیعتاً ترکمن‌ها از این قول و قرار روس و انگلیس اطلاع نداشتند، و از این توقف روس‌ها در عشق‌آباد تا حدودی تسکین خاطر یافته و گام‌های تازه‌ای برای کسب و یا دست کم حفظ استقلال قسمت‌های باقی مانده از سرزمینشان برداشتند. بدین معنی که پس از یک همایش عمومی در مرو، ترکمن‌های اوتمیش و توقمیش، دو شعبه اصلی و عمده تکه، مختوم قلی خان - پسر دوم نوروردی خان - را به عنوان رهبر اصلی خود اعلام کردند<sup>(۱)</sup>، و بدین ترتیب، گام محکمی برای حفظ صلح، نظم و ممانعت از هرگونه حمله احتمالی به سرزمینشان برداشتند.

در ماه‌های بعد و با پیشرفت حوادث، امیدهای تازه‌ای در میان ترکمنان برای دستیابی به یک آینده مطمئنتر به وجود آمد. مختوم

Secret Letters and Enclosures from Persian. Great Britain, Secret Home

Correspondence.

۱. نامه‌ای از مرو به تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۸۸۱، پیوست گزارشهای تامسن به شاهزاده ولیعهد

هندوستان، ۷ نوامبر ۱۸۸۱ نامه‌های محرمانه و ضمائم آن از ایران، یادداشت ۹/۱۳۷.

Secret Letters and Enclosures from Persia, (between 1817 - 1886). Great Britain.

Secret Home Correspondence, Memoranda 9/137.

قلی خان، پس از انتخابش به مقام ریاست، شخصاً مایل بود تا به منظور جلب حمایت بریتانیا علیه روس‌ها، از مقامات افغانستان دیداری نماید، لکن چند روز بعد، نقشهٔ سفرش را تغییر داد و دوست بسیار نزدیکش سردار عزیز را به عنوان سفیر فوق‌العاده برای همین منظور به کابل فرستاد.<sup>(۱)</sup> از طرف دیگر حضور ناگهانی دونووان\* مخبری از روزنامه دیلی نیوز «اخبار روزانه لندن»\*\* در مرو، امیدهای بیشتری را در بین ترکمن‌ها برای جلب حمایت بریتانیا برانگیخت. دونووان از لندن به ترکمنستان فرستاده شده بود تا تصویر واقعی حرکات و پیشرفت‌های روس‌ها را در ترکمنستان و امکان اینکه تهدیدی برای هند انگلیس شمرده شوند، نشان دهد.

هنگامی که دونووان، در اواخر سال ۱۸۸۰م. وارد مرز ایران - ترکمنستان شد، برای کسب اطلاع از چگونگی پیشروی نیروهای نظامی روس در آخال به اسکویلف ژنرال روس نامه نوشت، ولی تقاضایش رد شد.<sup>(۲)</sup> احتمالاً دونووان به عنوان یک روزنامه‌نگار، مایل نبود دست خالی

۱. مختم قلی خان مأمور در مشهد، ۱۸ آوریل ۱۸۸۲ پیوست تامسون شماره ۸۶ نامه‌های محرمانه و ضمیمه آن مربوط به ایران، ضمیمه S, P یادداشت ۹/۱۳۸.

Secret Letters and Enclosures from Persia, Great Britain, Secret Home Correspondence. \* F.O. Donovan.

\*\* London Daily News.

2. Great Britain: Public Record Office, Foreign Office Services, F.O,

روزنامهٔ آخال، ۱۷ اکتبر ۱۸۸۰، ضمیمهٔ تامسون شماره ۲۵۳، F.O، ۶۵/۱۱۰۵ و دونووان، واحهٔ مرو، سفرها و ماجراهای شرق خزر طی سالهای ۸۱-۸۰-۱۸۷۹، شامل پنج

به لندن مراجعت کند. بنابراین، از آنجا که می‌دانست ترکمن‌ها احساس دوستانه‌ای نسبت به انگلیس‌ها دارند، تصمیم گرفت به مرو رفته اطلاعات دست اولی در مورد تحرکات روس‌ها در ترکمنستان به دست آورد. با ورود او به مرو، استقبال شایان توجهی از وی به عمل آمد و حتی چنین تصور شد که وی نمایندهٔ رسمی دولت بریتانیا می‌باشد و با مشاهدهٔ طرز رفتار ترکمن‌ها با وی، روس‌ها نیز تصور کردند که دونووان مأمور اعزامی از جانب مقامات بریتانیاست، تا احساسات ضد روسی را در میان ترکمن‌ها اشاعه دهد. با وجود این، خود دونووان به ترکمن‌ها گفته بود که وی مأمور رسمی دولت انگلیس نیست و مأموریت او در مرو تنها به این خاطر است که یک دید بی‌طرفانه‌ای از اوضاع واقعی و وضعیت روس‌ها و ترکمن‌ها را به اطلاع مردم انگلیس برساند<sup>(۱)</sup>. از آنجائی که دونووان یک تبعهٔ انگلیس بود، ترکمن‌ها از او می‌خواستند تا در مرو توقف کند و با این کار آنها امیدوار بودند که روس‌ها جرأت پیشروی در سرزمینشان را نداشته باشند. ترکمن‌ها به تامسن و عباس خان، مأموران انگلیس در مشهد نوشتند و از آنها تقاضا کردند که اجازه دهند تا دونووان به عنوان نمایندهٔ بریتانیا در مرو باقی بماند و حتی ترکمن‌ها خود را اتباع انگلیس اعلام داشتند و پرچم انگلیس را به اهتزاز در آوردند؛ و بدین قراز دونووان به

<sup>(۱)</sup> ماه اقامت در میان تکه‌های مرو، لندن، ۱۸۸۲ جلد ۱ ص ۳۵۹.

E. O. Donovan, *The Merv Oasis, Travels and adventures east of the Caspian during the years 1879 -80-81*, including five monthes residence among the Tekkes of Merv, London. 1882. I. p.359.

۱. دونووان، واحهٔ مرو، جلد ۲، ص ۲۷۱. ۲۷۱. E.O,Donovan, *The Mero Oasis*.Vol.2. P.271.

صورت یک مهمان مورد احترام در میان ترکمن‌ها ماند. اما چنین احساس می‌کرد که مانند یک زندانی است و در نامه‌ای که به تامسن در تهران نوشت، از وی تقاضای استخلاص از دست ترکمن‌ها را نمود<sup>(۱)</sup>. تامسن در نامه‌ای که به تاریخ ۶ ژانویه ۱۸۸۱ به باباخان و امان نیازخان نوشت، به آنان اطلاع داد که علائق ترکمن‌ها را در باب اتحاد با دولت بریتانیا به لندن انتقال داده است و پس از اظهار قدردانی از احساسات دوستانه آنان نسبت به بریتانیا گفت: «...این وظیفه من است تا پیشتهاد اتحاد مردم ترکمن را به دولت انگلیس ابلاغ نمایم. لیکن به مناسبت موارد گوناگونی که رخ داده است هم از لحاظ مادی و هم سیاسی، این مسئله نمی‌تواند مورد قبول و استقبال واقع شود و درخصوص وضعیت آقای دونووان باید اظهار نمایم که ایشان همچنان که خودش تشریح نموده است، مامور دولت انگلیس نیست، بلکه خبرنگار یک روزنامه انگلیسی است که تنها برای کسب اطلاعات صحیح مربوط به اوضاع زندگی و وضع مردم مرو در آنجا اقامت کرده است و لازم است که شما فوراً آقای دونووان را برای تهیه و ابلاغ اطلاعاتش به انگلستان بازگردانید...»<sup>(۲)</sup>

1. The chiefs of the Fokhtamish and Otamish tribes to the Mashhad Agent, enclosure in Thomson's No. 76 of 1881.F.O. 65/1130; The Mashhad Agent to Thomson. May 14, 1881, enclosure in Thomson's No.76 of 1881. Secret Letters and enclosures from Persia, "P" and "S". Memoranda. 9/137; O,Donovan to Thomson, March 31, 1881 and May 29, 1881, Ibid.

2. Thomson to Baba Khan and Aman Niaz Khan, Merv Chiefs. June 6, 1881, enclosure in Thomson,s No. 78 of 1881, f.o. 65/1130. Secret letters....

پس از دریافت نامه تامسن، ترکمن‌ها ناامیدانه به دونووان اجازه عزیمت به تهران دادند، ولی همچنان امیدوار بودند که ملکه انگلیس نسبت به سرنوشت مرو و قبایل آن منطقه بی تفاوت نباشد. نامه‌های موجود در آرشیو مکاتبات محرمانه مربوط به ایران در فاصله سالهای ۱۸۱۷ و ۱۸۸۶ در بریتانیا نشان می‌دهد که ترکمن‌ها نامه‌های متعددی به دولت انگلیس جهت دریافت همکاری و اتحاد برای مقابله با روس‌ها نوشته‌اند، اما هرگز جوابی از مقامات انگلیس برای درخواستشان دریافت نکردند. حوادث دلسرد کننده نیز یکی پس از دیگری رخ می‌داد. سردار عزیز، قائم مقام ویژه مختوم قلی خان در کابل دست خالی مراجعت کرد. عبدالرحمن خان، امیر افغانستان، پس از مشاوره با هم‌پیمانان انگلیسی اش به وی گفته بود که دولت روسیه آنقدر مقتدر است که هیچ‌کس یارای ایستادگی در مقابلش را ندارد و بنابراین به نظر او به نفع مردم مرو است که از مرو دست بردارند و همگی به هرات بروند و اضافه کرده بود که زمینهایی به آنها داده خواهد شد تا در آن کشت و زرع و زندگی کنند و از سردار عزیز تقاضا کرده بود که ترکمن‌ها را به آمدن به هرات تشویق و ترغیب نماید<sup>(۱)</sup>.

نومیدی و موقعیت متزلزل ترکمن‌ها منجر به برخوردهای داخلی شد. سران و رهبران آنان نمی‌توانستند خط مشی لازم و صحیحی اختیار کنند و در باب آن با یکدیگر به توافق برسند. گروهی تحت رهبری قجرخان، بر این عقیده بودند که باید تا آخرین نفر با روس‌ها جنگید، آنها هنوز امیدوار بودند که از کمکهای بریتانیا بهره‌مند خواهند شد. گروهی دیگر به

1. A letter from Herat, July 12, 1881, Ibid. No 54.



سرکردگی بعضی از سران توقتمش، در پی حاکمیت خبیوه‌ایها بودند و می‌خواستند که خان خبیوه به عنوان حاکم مرو نیز منصوب شود<sup>(۱)</sup>.  
سومین دسته به سرکردگی بعضی از سران اوتمیش، هیچ انتخاب دیگری نداشتند مگر آنکه تسلیم مقامات روسی شوند، و بدین ترتیب هرج و مرج و تشتت فکری مطلق در میان ترکمن‌ها حکمفرما شده و این دقیقاً همان چیزی بود که روس‌ها در انتظارش بودند و بدین جهت بدون ذره‌ای دفع‌الوقت، ندریجاً وارد عمل شدند و عمال روسی که از زمان پیروزی در گوگ تپه، فشار و اعمال زور خود را بر ترکمن‌ها افزایش داده بودند، نخست اندکی دوستانه و محافظه‌کارانه از ایشان خواستند تا به روس‌ها ملحق شوند. با وجود اینکه نمایندگان از طرف ترکمن‌ها با فرمانده روسی در عشق‌آباد ملاقات کرده بودند، لیکن ترکمن‌ها هیچ تمایلی برای جلب نظر تزار روس نداشتند و اکثریت عظیم ترکمن‌ها هنوز روس‌ها را خصم خود می‌شمردند. از طرفی روس‌ها با تشکیل یک خط مرزی بین خراسان - ایران و آخال تازه فتح شده از طریق سفیر روسیه در تهران یعنی زینویف\* مشغول تبادل نظر با مقامات ایرانی دربارهٔ مرز جدید ایران آخال بودند و بر طبق موافقتنامه‌ای خط مرزی ایران - آخال از بحر خزر تا روستای بابادونمز\*\* - ترکمن نشینی در ۳۰ مایلی جنوب غربی عشق‌آباد - ترک تابه چات\*\*\* و از آنجا به خوجه قلعه\*\*\*\* و به سمت مقابل تا

1. Ibid, From the Merv Correspondent, October 16, 1881. Tomson's report to the viceroy of India, November 19, 1881.

\*. Zinoviev.

\*\* Baba Dönmez.

\*\*\*. Chat

\*\*\*\*. Khojs - Kala.

خط تپه‌ها و تا بابادونمز امتداد داشت. و بدین ترتیب قره قلعه گرناب و نوآخور تحت نظارت و سرپرستی آخال روس باقی ماند و کلتک چنار\* منطقه‌ای کلیدی نزدیک سرخس جزو قلمرو ایران قرار گرفت<sup>(۱)</sup>. غلبه بر آخال و ملحقات آن زنگ خطری برای بریتانیا به شمار رفت و آن را تهدیدی مستقیم برای امنیت هند انگلیس به شمار آوردند. لذا دولت انگلیس بار دیگر به سفیر خود در سنت پترزبورگ یعنی لرد دوفرین\*\* دستور داد تا استعلام کند که روس‌ها تا چه حدودی قصد دارند مرزهایشان را به سمت هندوستان گسترش دهند<sup>(۲)</sup>. گیرز\*\*\* مدیر کل امور خارجهٔ روسیه به دوفرین پاسخ داد که هیچ‌گونه قصدی از جانب روسیه در مورد پیشروی به سوی مرو در بین نیست، و احضار اسکولف از ترکمنستان خود مدرک مستدلی از حسن نیت روسیه در حفظ تعهدات و اقوال خود نسبت به بریتانیاست که به جانب هندوستان پیشرفتی نخواهد کرد<sup>(۳)</sup>.

کاملاً واضح بود که گیرز با این عمل شیشه‌ای دودی در مقابل چشمان سفیر انگلیس قرار داده بود تا متوجه اعمال زورهایی که در عشق‌آباد و مرو بر ترکمن‌ها می‌شد تا سرزمینشان را به امپراطوری روس منضم نمایند،

\*. Keltek Chinar.

1. Thomson to Granville, No, 186, December 16, 1881. Ibid. "P" and "S" Memoranda 9/137. \*\* Dufferin.

2. Correspondence, from 1861 - 1881, respecting the movements of Russia in central Asia, Part I, p. 131, F.O. 65/1150.

\*\*\*. M. De Giers.

3. Ibid, PP. 132-133.

نگردد. با اطلاع از وضع متزلزل و عدم قدرت تصمیم‌گیری که برای ترکمن‌های مرو درباره آینده‌شان در اواخر سال ۱۸۸۱ پیش آمده بود، مقامات نظامی روسی تصمیم گرفتند هیأتی سری را در اوایل سال ۱۸۸۲ به مرو اعزام دارند تا تصویر واقعی از امور مربوط به ترکمن‌ها را قبل از اختیار خط مشی جدیدشان به دست آورند. این هیأت مورد وثوق مرکب از ستوان مقصود علی‌خانف آوارسکی\* که مسلمان ترک‌زبانی از فققازیه، همراه با افسر دیگری به نام سوکولف\*\* بود.

این دو نفر دستور داشتند تا در مورد مسیرهای منتهی به مرو و راههای خروجی مرو، بررسی و تحقیق مفصلی نمایند و قرار بود این مسافرت را همراه با یک کاروان تجاری به عمل آورند.

در ۳۰ ماه فوریه سال ۱۸۸۲، کاروان روسی از آخال به سوی مرو حرکت کرد و یک هفته بعد به مقصد رسید. ورود یک کاروان روسی به مرو نگرانی و تشویق فراوانی را بین ترکمن‌ها به وجود آورد. معهدا رهبران ترکمن‌ها جهت احتراز از اعتراض مردم به روس‌ها و هراسی که از آنان داشتند، تصمیم گرفتند تا رسماً به کاروان اجازه داد و ستد دهند. در حالی که کاروان تجاری در بازارها سرگرم تجارتش بود، علی‌خانف و سوکولف اطلاعات لازم را درباره واحه مرو جمع‌آوری می‌کردند. در عرض دو هفته آنها کار خود را تکمیل و در ۱۷ ماه مارس ۱۸۸۲ به عشق‌آباد مراجعت کردند. علی‌خانف و سوکولف گزارش مشترکی درباب مسیرهای رفت و برگشت به مرو و امور ترکمن‌ها به فرمانده روس در عشق‌آباد ارائه کردند، که حاوی مسائلی چون وضعیت اداره مرو،

\* Maksud Alikhanov Avarskii.

\*\*. Sokolov.

چگونگی خط مشی سران ترکمن و بخصوص این مسئله بود که در میان مردم ترکمن قدرتی وجود ندارد و دیکتاتوری بر منطقه حکمروایی می‌کند و اختلاف عقاید و چند دستگی به شدت حکمفرماست؛ و علی‌خانف بر این عقیده بود که این امکان وجود دارد تا کنترل و نظارت روس‌ها را بر مرو بدون ایجاد یک منازغه پر خرج برقرار نمایند<sup>(۱)</sup>.

با توجه به فتح آخال که میلیونها روبل برای روسیه هزینه داشت و به مرگ تعداد کثیری نیز منتج گردید و با در نظر گرفتن وسعت و جمعیت ناحیه مرو، که از منطقه آخال هم بزرگتر، و هم بیشتر بود و در نهایت با توجه به این مسئله که استحکامات گوگ تپه در مقام مقایسه با استحکامات و خاکریزهای مرو بازیچه‌ای بیش نبود. بنابراین کاملاً به نفع روس‌ها بود که سرپرستی و حاکمیت خود را بر منطقه، از طریق مسالمت و صلح‌آمیز برقرار سازند. برای این منظور اعلام اولتیماتوم به ترکمن‌ها داں بر اینکه یا تسلیم روسیه شوند و یا در انتظار سرنوشتی نظیر آنچه که ترکمن‌های آخال تجربه کردند، باشند، پیشنهاد شد و این نقشه بسیار مؤثر افتاد. مقامهای نظامی روسی از طریق علی‌خانف شروع به برقراری کنترل و نظارت مستقیم بر مرو نمودند.

تقریباً همزمان با دیدار علی‌خانف از مرو، عامل دیگر روس م. لسار\* از راه اتک به جانب هرات در حال پیشروی بود. لسار، دستور داشت اطلاعاتی درباره اوضاع امور و مسیرهای بین اتک - مرو و هرات

1. Alikhanov-Avarkskii, *Correspondence respecting the occupation of Merv by Russia and his Proceedings on the Khorusan Frontier of Persia*, P. and S. Memoranda C.

جمع‌آوری نماید<sup>(۱)</sup>. مقامهای روسی به جهت نفوذ مداوم بریتانیا در افغانستان نگران بودند و این مسئله را نوعی مبارزه طلبی در مقابل موقعیت خود در آسیای مرکزی تلقی می‌کردند و از این رو، لسار را به سمت هرات اعزام داشتند.

این نقطه نظر روس به طور واضح برای مقامهای بریتانیا توسط گیرز روشن گردیده بود. حوادث در واحه مرو نیز در حال دگرگونی بود. مختوم‌قلی خان پس از کوششهای ناموفقانه‌اش برای جلب حمایت انگلیس، اندوهگین به خاطر از دست دادن اعتبار، حیثیت و قدرتش در میان ترکمن‌های مرو، دیگر به عنوان یک سرکرده نیز مورد تبعیت قرار نمی‌گرفت. از طرف دیگر از شکست در گزگ تپه و بی‌تفاوتی انگلیس نسبت به مشکلات ترکمن‌ها، نومید و دلسرد، تصمیم گرفت تا از مقاومت در مقابل روس‌ها دست بردارد. از این رو در اواخر سپتامبر به اتفاق همراهان و پیروانش به عشق‌آباد رفت و خود را تسلیم فرمانده روسی کرد که او را با مهربانی پذیرا شد<sup>(۲)</sup>. پس از سردار تکما تسلیم شدن

۱. نامه‌ای از طرف آقای لسار به آقای استنجان Stephan به تاریخ ۳۰ مه ۱۸۸۲ در مجموعه نامه‌های تامسن شماره ۱۳۸ از سال ۱۸۸۲ ر.ک. به:

*Secret Letters and Enclosures from Persia, P. and S. Memoranda 9/138.*

همچنین ر.ک. به:

*Despatches from H.M.S Ambassador at St. Petersburg forwarding translations of the published reports of M. Lessar "Journeys in Central Asia". London. 1883, India Office.*

2. Thomson to Granville, No. 206, December 11, 1882, *Secret Letters from*

مختوم‌قلی خان ترکمان به دولت روسیه، بار دیگر نه تنها واخوردگی برای ترکمن‌ها ایجاد کرد، بلکه لطمات و خسارات فراوانی به نیروی مقاومت آنان علیه فشار و زورگویی روس‌ها وارد آورد و با تسلیم شدن مختوم‌قلی خان فاصله و مخالفت بین گروههای رقیب در منطقه عمیقتر گردید.

همراه با فشار و ترفندهای رو به تزاید روس‌ها، نفوذ آنها نیز در بین سران ترکمن مرو افزایش می‌یافت.

یکی از گروههای رقیب که قبلاً در جستجوی به دست آوردن پشتیبانی خیره‌ای‌ها بود و حاکمی خیره‌ای بر مرو گمارده بود، دیگر در این زمان تمایلی برای همکاری با حکام خیره‌ای نداشت. در حقیقت فکر نزدیک شدن به خان خیره که خود تحت‌الحمایه روس محسوب می‌شد، ایده و حيله‌ای روسی بود و مردم مرو نیز به این حقیقت مسلم واقف شده بودند. در نتیجه حکام خیره‌ای کلیه اعتبار و حیثیت خود را از دست دادند و دیگر نه مورد احترام بودند و نه از آنان اطاعت می‌شد<sup>(۱)</sup>. با این همه اکثر سران خیره‌ای بر حزب «هوآدار روسی» که توسط مختوم‌قلی خان رهبری می‌شد، تکیه کردند.

از طرف دیگر روس‌ها پیش از به اجرا در آوردن نقشه علی‌خانف تصمیم گرفتند از روشهای دیگری از قبیل رشوه دادن به سرکردگان مهم ترکمن‌های مرو به منظور گسترش نفوذ خود در ناحیه کمک بگیرند. بدین قرار تا اواخر سال ۱۸۸۲ درگیری و زد و خورد در بین سران و سرکردگان

<sup>(۱)</sup> *Enclosures From Persia, P. And S. Memoranda. 9/138.*

1. Makhtum Kulu Khan to the Mashhad Agent. April 18, 1882. Enclosure in

Thomson's No, 86 of 1882. *Secret Letters ...*

ترکمن در واحه مرو که از طرف عمال روس حمایت می‌شدند، از یک طرف، و دسته‌های ضدروسی از طرف دیگر، ادامه داشت. پیشبرد اهداف روس‌ها برای تحت کنترل درآوردن مرو، سبب مداخله بیشتر انگلیس در مسائل ترکمن‌ها و متعاقب آن، وادار نمودن حکام مرزی ایران در ادعای حق حاکمیت بر دره‌گز تا ناحیه تجن، و به دست آوردن یک محدوده مرزی معین به سمت شرق تا بابا دونمز گردید. اما حکام ایرانی که مایل به ایجاد مشکلی با روس‌ها نبودند، از توصیه‌های انگلیس استقبال نکردند. از این رو موضوع مدتی مسکوت ماند.

در ۱۱ دسامبر ۱۸۸۲، تامسن با اعلام نگرانی از حضور مختوم‌قلی خان در میان روس‌ها در گزارشتش به لندن چنین نوشت که: لحظه مناسب برای پیشروی روس‌ها به سوی تجن فرار سیده، و او نسبتاً یقین حاصل کرده است که به زودی روس‌ها نیروهای خود را در مجاورت سرخس مستقر خواهند کرد<sup>(۱)</sup>.

پاسخی به اخطارهای مداوم تامسن داده نشد، و از سویی نیز فشارهای مداوم روس‌ها و تحرکات آنان در بین سرکردگان ترکمن‌های مرو، اندک اندک نتایج خود را نشان می‌داد. این فشارها بویژه توسط مختوم‌قلی خان که چندین سفر به مرو انجام داده، و ملاقاتهایی با اکثر سران به عمل آورده بود، در اوایل سال ۱۸۸۳ به موفقیت نزدیک شد و روس‌ها از هر فرصتی برای تحریص ترکمن‌ها در قبول حاکمیت روس بر مرو استفاده کردند. از جمله تاجگذاری تزار جدید الکساندر سوم یکی از

بهترین موقعیتها را برای این منظور فراهم ساخت.

در چهارم آوریل ۱۸۸۳ سرلشکر مشهور روس به نام نوس\* که به وسیله بیست و چهار نفر از سواره نظام آخال همراهی می‌شد، در حالی که حامل دعوت‌نامه‌هایی برای سران ترکمن جهت حضور در مراسم تاجگذاری تزار بود، عازم منطقه شد. نوس از امیر بخارا و خان خبوه نیز دعوت به عمل آورد تا در مراسم تاجگذاری شرکت کنند.

دعوت‌نامه‌ها برای مختوم‌قلی خان، باباخان، ساری بهادر، مابلی خان، و قراگل خان از ترکمن‌های مرو، ساری خان و سردار میهنک\*\* از ترکمن‌های ساریک، و سید نظرخان از ترکمن‌های آلیالی بود. اما این دعوت موجب نگرانی و تنش بزرگی در بین ترکمن‌های ساریک گردید. به طوری که تصمیم گرفتند از فرستادن هر نماینده‌ای به پایتخت روس‌ها امتناع ورزند. از آنجایی که اکثر سران ترکمن مرو، تحت فشار روس‌ها بودند، برای اینکه تا حدی از تنشها و درگیریهای موجود و یا احتمالی آینده جلوگیری نمایند، تصمیم گرفتند مخدوم‌قلی خان، ساری بهادر، باباخان و سید نظرخان از شهر آلیالی را برای شرکت در مراسم تاجگذاری تزار اعزام دارند.

به محض ورود آنها به مسکو، با استقبال گرمی از طرف مقامات روسی پذیرفته شدند و در طی اقامتشان در پایتخت روسیه، از آنها پذیرایی باشکوهی به عمل آمد. هر یک از آنان هدایا و زیورآلات گرانبها از تزار دریافت داشتند. با این همه روس‌ها با تمامی آنان یکسان رفتار نمی‌کردند، با اینکه مخدوم‌قلی خان سرکرده و فرمانده اصلی نیروهای شبه نظامی

1. Thomson to Granville. No. 206, Tehran. December 11, 1882, *Secret Letters* ...

آخال بود، ولی این باباخان بود که زیورآلات فراوان از تزار همراه با فرمان حاکمیت تکه‌های مرو را دریافت می‌داشت، و این مسائل در میان سران ترکمن ایجاد حسادت می‌نمود.

پس از بازگشت نمایندگان ترکمن از مسکو، عوامل روسی و حزب هوادار روس در واحه مرو، فعالیت‌های خود را افزایش دادند که همین تشدید فعالیت‌ها سبب پدید آمدن یک سلسله مخالفت‌ها و تنش‌های جدید از طرف گروهی که به وسیله درویشی مسلمان رهبری می‌شد، گردید. این شخص با نام درویش مسلم ملقب به سیاهپوش و در واقع دوست صمیمی ایوب‌خان شاهزاده یاغی افغانستان بود که بعد از قیام ناموفقش علیه امیر عبدالرحمن‌خان، به ایران پناهنده شده بود. هدف وی ایجاد اتحاد و اتفاقی بین ترکمن‌های مسلمان و افغان‌های مسلمان بود.

عقاید وی گذشته از نوعی اعلام نفرت از روسیه به عنوان دشمن بزرگ اسلام، از چاشنی لزوم دعا و نیایش و دیدگاه‌های مذهبی و دینی برخوردار بود و در عین حال امیدوار بود تا از حمایت و پشتیبانی امیر افغانستان و دولت انگلیس هر دو برخوردار باشد. با توفیق در این هدف، او امیدوار بود که نه تنها ترکمن‌های مسلمان را از تحت حاکمیت روس‌ها در آمدن نجات بخشد، بلکه یک هم پیمانی بین ترکمن‌ها و افغان‌ها علیه روس‌ها برقرار سازد.

با این وجود، روس‌ها بر این ادعا بودند که سیاهپوش یک عامل ترکی - انگلیسی بود که آزادانه برای بیدار کردن و تشدید احساسات ضد روسی در میان ترکمن‌ها به ترکمنستان فرستاده شده است<sup>(۱)</sup>. پس از ورود

سیاهپوش به یولاتان در اوایل سال ۱۸۸۳ هیجان جدید و عظیمی در بین ترکمن‌ها به وجود آمد و او را به عنوان مردی که دعاها و نیایش‌هایش به درگاه خداوند قادر متعال مورد قبول قرار می‌گیرد، باز شناختند و در مقرر استقرارش در یولاتان صدها تن از مردم، هر روزه برای شنیدن ادعیه مذهبی او گرد می‌آمدند.

در تابستان همان سال، وی به مرو رفت و در آنجا نیز با اشتیاق و استقبال جماعتی از مردم که برای مواظب و دعا‌های مذهبی وی گرد آمده بودند، مواجه گردید. سیاهپوش طی دیدار از مرو، مدتی را نزد قجرخان، رهبر مقتدر گروه ضد روسی به سر برد.

احتمالاً حضور سیاهپوش در مرو و نقش بزرگ او در افزایش احساسات ضد روسی در میان ترکمن‌ها، موقعیت قجرخان را مستحکمتر کرد. این تغییر و تحولات جدید و رشد سریع احساسات ضد روسی، هشداربازی بود که سریعاً به ژنرال کوماروف\* حاکم جدیدالانتصاب نظامی روسی در عشق‌آباد گزارش گردید. در اینجا مناسب به نظر می‌رسد که در باب حمله مرزی ایران - ترکمن توضیح مختصری داده شود. ادعای حکمرانان مرزی چنین بوده که از طرف رهبران ترکمن‌های ضد روسی به قلمرو ایران حمله‌ای حساب شده و از پیش طرح‌ریزی شده انجام گردیده و هدف آن تجدید خصومت بین ایران و روسیه بوده است.

حال آنکه با توجه به مطالب گفته شده، حقیقت این بود که دل‌سردی ترکمن‌ها از کمک انگلیس از یک طرف، فشار مداوم و روبه‌تزايد روس‌ها در مرو از طرف دیگر، فقدان رهبریت و اتحاد و قدرت متمرکز در میان

\* A. V. Komarov



ترکمن‌ها از جهت دیگر در بین آنان حالت آشوب و هرج و مرج پیش آورده بود. تحت چنین شرایطی بود که گروهی کوچک از ترکمن‌های مأیوس و دل‌سرد به بعضی از روستاهای ایران در خراسان حمله بردند و تا آنجایی که از مدارک و شواهد موجود برمی‌آید، هیچ انگیزه سیاسی در پس این حادثه وجود نداشت<sup>(۱)</sup>.

ژنرال کوماروف برعکس اسلاف خود، سختگیر و معتقد به پیشروی سریع و خط مشی از پیش تعیین شده اسکو بلف بود. ضمناً هنگامی که جهت انجام مأموریتش به صوب آخال حرکت کرد، با ژنرال چرنیایف\* حاکم کل ترکستان که او نیز مردی سختگیر بود، به برقراری حسن تفاهم و همراهی پرداخت تا روش و خط مشی واحدی را در آسیای مرکزی دنبال نمایند. پس از نامه‌های هشدار دهنده‌ای که از طرف عمال روسی دربارهٔ رشد فزایندهٔ احساسات ضد روسی در مرو به دست کوماروف رسید، وی با پشتیبانی و طرفداری ژنرال چرنیایف تصمیم گرفت تا فشارها و تضيیقات بیشتری بر ترکمن‌های مرو اعمال نمایند و به این ترتیب تقریباً طرح علی خانف یک سال دیرتر به مرحلهٔ اجرا درآمد. تا اواخر سال ۱۸۸۳، کوماروف پس از تهیه مقدمات کار، هیأتی را مأمور ابلاغ پیامی بسیار محکم و جدی، تحت فرمان کلنل موراتف\* با همراهی علی خانف برای اشغال درهٔ تجن به سوی مرو اعزام داشت؛ با این قصد که آن ناحیه را

1. Thomson to Granville, No s, 164 and 167. November 27, december 5, 1883. Secret letters... 9/139; Correspondence respecting the occupation of Merv by Russia ...

P.1.

\*. Cherniaev

\*\* . Muratov

به عنوان یک مرکز استراتژیکی جهت شرایط و پیش آمدهای اضطراری مورد استفاده قرار دهد به محض ورود هیأت مزبور به ناحیهٔ تجن، در ۲۲ دسامبر ۱۸۸۳، علی خانف دستور یافت تا با شتاب هر چه بیشتر به جانب مرو پیشروی کند و اولتیماتوم لازم را ابلاغ نماید. علی خانف همراه با مخدوم قلی خان که در آن زمان حاکمیت روسی را کاملاً پذیرفته بود، دو روز بعد با اسکورتی مرکب از بیست و پنج نفر قزاق و دوازده نفر سواره نظام از آخال وارد مرو شد و در مرو با محمدیوسف خان پسر کوچکتر نوروردی خان متوفی و برادر مخنوم (مخدوم) قلی خان نیز همراه گردید. علی خانف پس از ورود به مرو، بلافاصله توسط آتاجان بای، آخرین حاکم خپوه به ترکمنان مرو اطلاع داد که مرو باید در عرض چند روز به روس‌ها تسلیم شود و یا خود را برای یک جنگ مسلحانه همچنان که در خپوه و آخال به وقوع پیوست، آماده سازد.

علی رفم هراس سران ترکمن و با وجود آگاهی از اینکه تجن توسط روس‌ها اشغال شده بود، سرکردگان ترکمن به جهت نداشتن اتحاد و اتفاق در مجمع عمومی که تمامی نمایندگان جوامع ترکمن در آن حضور داشتند، نتوانستند به توافقی دست یابند. گروهی معتقد به تسلیم شدن بودند و گروههای طرفدار روس نیز براین مسئله اصرار می‌ورزیدند، لیکن مابقی اگر چه می‌دانستند که شانس برای شکست دادن روس‌ها ندارند، ولی هنوز از تسلیم شدن و تحت زورگویی و فشار روس قرار گرفتن امتناع می‌ورزیدند. در نتیجه این مجمع نتوانست جوابی به اولتیماتوم علی خانف ارائه دهد.

علی خانف با کمک یوسف خان موفق شد با گل جمال بیوه

نوروردیخان که یکی از بانفوذترین افراد مرو بود، ملاقات نماید، و گل جمال موافقت کرد تا موقعیتی را فراهم آورد که علی خانف در مجمع ترکمن‌ها سخنرانی نماید.

این سخنرانی در اول ژانویه سال ۱۸۸۴ ایراد گردید. وی ضمن سخنرانی چنین گفت: «...مردم او نیز مانند ترکمن‌ها مسلمان‌اند و با صلح و آرامش تحت حکومت روس در قفقاز زندگی می‌کنند. و وی به عنوان یک مسلمان، اجازه یافته در ارتش روسیه یک افسر باشد. روس‌ها با مردم خوشرفتاری می‌کنند و اعمال دینی را ممنوع نساخته‌اند. روس‌ها معتقدند که مردم مرو نمی‌توانند با یکدیگر در صلح و صفا بسر برند و لذا باید تحت حکومت روس‌ها باشند و به عبارت دیگر یا تسلیم شوند و یا خود را برای مقابله در عرض دو هفته آماده کنند.»

سپس چنین نتیجه‌گیری کرد که «اگر جنگ را برگزینند، نه تنها خود را نابود می‌کنند، بلکه با این جنگ نافرجام مرو را هم از چهره زمین پاک خواهند کرد.» این سخنان باعث شد که ترکمن‌های مرو در برابر خواسته‌های علی خانف سر تسلیم فرود آورند. علی خانف سی دقیقه پس از ترک محل ملاقات، مجدداً از طرف مجمع به بازگشت دعوت گردید و اعلام شد که مجمع تصمیم به تسلیم گرفته است. علی‌رغم این حقایق مورخان روسی مانند تیخومیروف\* و مؤلف تاریخ ترکمنستان ادعا می‌کنند که مرو به طور مسالمت‌آمیزی ضمیمه شد و تصمیم مجمع همگانی ترکمن‌ها صمیمانه و با نهایت میل و با اکثریت آرا بوده است<sup>(۱)</sup>. وی هرگز

\* Tikhomirov

1. Tikhomirov, *Istoriia Tukmenskoi SSR*, Vol.I, Part 2, p.128; L., Tiflet, *The*

ذکری از اهمیت اتمام حجت علی خانف زمانی که ترکمن‌ها هیچ راه انتخابی را بجز قبول برتری و حاکمیت روس‌ها نداشتند، به میان نیاورده است.

ترکمن‌ها پس از قبول اولتیماتوم، هیأت نمایندگان مرکب از چهار شاخه تکه‌ها و بیست و چهار نماینده که هر یک نماینده دو هزار خانواده بودند، انتخاب کردند و علی خانف این نمایندگان را نزد کلنل موراتف در تجن و از آنجا به نزد ژنرال کوماروف در عشق آباد برد.

در حضور کوماروف و افسرانش، نمایندگان ترکمن‌ها نسبت به امپراطور روس سوگند وفاداری یاد کردند. همچنین اعلام کردند که به کلیه حملاتشان خاتمه داده، و دیگر فعالیت‌های ضدروس نخواهند داشت. کوماروف نیز به آنان اطلاع داد که نیرویی از روس‌ها جهت حفظ نظم در مرو مستقر و اداره‌ای نیز در آن سرزمین به سرپرستی یک افسر روسی برقرار خواهد شد. همچنین بدانها قول داد که مذهبشان مورد احترام خواهد بود و مانعی در اجرای مراسم مذهبی آنان ایجاد نخواهد شد، و به نام تزار اعلام داشت که کلیه ترکمن‌های قبایل توقتمیش و اوتمیش مرو و تجن به عنوان تبعه روسی شناخته می‌شوند<sup>(۱)</sup>. ماوقع بلافاصله به دولت روسیه گزارش شد و از طریق گیزر به دولت انگلیس اطلاع داده شد و گیزر به تامسن سفیر انگلیس در سنت پترزبورگ اطلاع داد که تزار تصمیم گرفته است اتحاد و هم‌پیمانی ترکمن‌های مرو را بپذیرد. همان روز در یک

<sup>۱</sup> *Great Friendship. Soviet Historians on the Non Russian Nationalities*, The University of North Carolina Press, 1969, pp. 240-249.

1. *Correspondence respecting the occupation of Merv by Russian...* P.2.

مجله رسمی، مشارکت و ادغام مرو در شاخه سیاسی ماورای خزر اعلام گردید. ضمناً به ستوان علی خانف آوارسکی به خاطر خدمات ارزنده اش و تحت حاکمیت در آورن ترکمن‌ها، پاداش و جوایزی اهدا شد و او مجدداً به درجه سرگردی - که چند سال قبل از طرف یک مارشال دریاری به خاطر عدم انضباط جزئی از آن محروم شده بود - برگردانده شد، و به مقام نخستین سرکرده ناحیه مرو نیز منصوب گردید.<sup>(۱)</sup>

علی خانف، یوسف خان جواترین پسر نورودی خان و گل جمال را به عنوان نماینده خویش برگزید و در اوایل فوریه ۱۸۸۴ آن دو به همراهی اعضای هیأت نمایندگی ترکمن‌ها از عشق آباد به مرو مراجعت کردند.<sup>(۲)</sup>

علی خانف به محض ورود به مرو زمینه‌های لازم را برای برقراری حاکمیت رسمی و اداره منطقه فراهم آورد، و دو هفته بعد به کوماروف اطلاع داد که مقدمات لازم در مرو آماده شده است. کوماروف در رأس نیروی مسلح (۱۵۰۰ سرباز با چهار قبضه اسلحه) در ۲۲ فوریه عشق آباد را ترک گفت. لیکن پس از مدت کوتاهی پیامی از علی خانف دریافت داشت مشعر بر اینکه نیروهایی از ترکمن‌ها برای حمله به مرز روسیه آماده شده‌اند. این خبر باعث شد که کوماروف در تجن متوقف گردد. علی خانف به تجدید قوا پرداخت و کوماروف در ۱۴ مارس اردوگاه نظامی خود را در شانزده مایلی قشیدخان کلا برقرار ساخت. هنگامی که

1. Ibid. pp. 2-7.

2. Deregez Correspondent March II, 1884, enclosure in Thomson's No.47 of 1884, *Secret Letters*,... 9/140.

ترکمن‌های مرو از نزدیک شدن نیروهای روس آگاه شدند، اکثریت آنان بر این تصور بودند که روس‌ها به قصد اشغال منازل آنان می‌آیند و لذا از قجرخان و باباخان خواستند که نزد ژنرال روسی رفته از او بخواهند تا مقر زندگیشان را اشغال نکنند. ورود این دو تن به اردوگاه کوماروف ضعیف ترکمن‌ها را در مقابل روس‌ها مشخصتر ساخت. کوماروف گفت: «یقیناً شما پسر قشیدخان بزرگ نیستید که به وسیله ترکمن‌ها تا سرحد فقر تنزل کرد و در برابر ما ایستادگی و مقاومت می‌کرد. ما آمده‌ایم شما را به یک موقعیت خوب و مناسب بازگردانیم...»<sup>(۱)</sup> سپس مبلغ قابل توجهی وجه به هر یک از خانها پیشکش کرد. باباخان پول را پذیرفت، لیکن قجرخان آن را رد کرد و به مرو مراجعت نمود<sup>(۲)</sup>. وی پس از بازگشت با کمک و یاری سپاهپوش مقدمات آخرین مقاومتها را علیه تجاوز روس‌ها فراهم کرد.

پیش از پنج هزار نفر از ترکمن‌ها همراه قجرخان بودند، و چندین حمله متوالی به روس‌ها کردند. لکن هر بار با شکست مواجه شدند. قجرخان صدها تن از یارانش را از دست داد. در حالی که روس‌ها فقط یک نفر کشته داده بودند. فقدان رهبریت و انضباط، از دلایل عمده شکست ترکمن‌ها بود. چند هفته بعد، رهبران جنبشها، قجرخان و سپاهپوش با کمک روس‌ها و سران ترکمن روس، دستگیر شدند. روس‌ها، قجرخان و سپاهپوش را به قالوگا<sup>\*</sup> تبعید کردند. سرانجام شهر مرو به اشغال کامل درآمد. و رؤبای انضمام مرو به روسیه به حقیقت پیوست. مقامهای بریتانیا از خبر انضمام مرو به روسیه بسیار شگفت‌زده

1. *Correspondence respecting* ..., pp. 13-14.

2. Ibid . p. 14.

\*. Kaluga

بودند، زیرا از سال ۱۸۷۴ از طرف روس‌ها مرتباً این اطمینان داده شده بود که روسیه مرو را اشغال نخواهد کرد. بریتانیا از سنت پترزبورگ و گیزر سفیر روسیه در لندن توضیح خواست.

در جواب به تامسن اطلاع داده شد که هیچ اطلاعی از پیشرفت روسیه و حوادث ناگهانی مرو نداشته است و در واقع این خود ترکمن‌ها بودند که تمایل به هم پیمانی باتزار را داشتند و دولت روسیه نمی‌توانست این درخواست را رد کند.

از سوی دیگر نظیر چنین توضیحات و اطمینان خاطر‌ها توسط بارون مورن هایم\* سفیر روسیه به بریتانیا داده شده بود که اقدامات روسیه تنها راه انتخابی، برای حفظ صلح و برقراری نظم صحیح بوده است.

گیزر به لرد گرانویل\*\* اطمینان داد که نقطه نظرهای تزار و دولت او از لحاظ ارتباطات بین دو کشور در آسیای مرکزی به هیچ رو تغییری نخواهد کرد و مسائل موجود بین ترکمن‌های مرو و روس‌ها هیچ مسئله خصومت‌آمیزی را علیه بریتانیا ایجاد نخواهد کرد. دولت روسیه هیچ قصدی برای منتفع شدن از وضع حاضر علیه علیاحضرت ملکه ندارد<sup>(۱)</sup>.

با وجود اینکه در تمام این توضیحات ارائه شده از طرف مقامهای روسی به بریتانیا، هیچ اشاره‌ای درباره‌ی اتمام حجت روس‌ها به ترکمن‌ها نشده بود و تسلیم اجباری و بدون قید و شرط ترکمن‌ها به صورت اصرار در هم‌پیمانی با روسیه قلمداد گردیده بود، ولی بریتانیا ناگزیر بود مطالب بیان شده را قبول کرده و تا مدتی موضوع را مسکوت نگهدارد. این بسیار

\* Baron Mohrenhim

\*\* Lord Granville

1. OP.Cit. p.4.

مشکل است که فرض شود گیزر از پیشرفت حوادث در مرو نا آگاه بوده و این نیز حقیقت نداشت که احساسات ترکمن‌ها نسبت به روس‌ها دوستانه بوده است. واقعیت این بود که روس‌ها می‌کوشیدند چهره‌ای تصنعی از خود و وقایع مرو به بریتانیانشان دهند. تامسن سفیر انگلیس در تهران نیز مسیر حوادث مرو را با نگرانی دنبال می‌نمود. در گذشته نقشه‌ی او برای حل مسئله‌ی مرو این بود که تنها راه حل ممکن برای مشکل ترکمن‌ها، تأمین دفاع از آنان و اتحاد مرو و هرات است. وی قبلاً اظهار داشته بود که پیوستگی و روابط حسنه بین طرفین برقرار است و ترکمن‌ها تمایل دارند حاکمیت افغان‌ها را بپذیرند<sup>(۱)</sup>.

اما چنان که دیدیم دولت بریتانیا نه تنها کوششی برای تحقق این طرح انجام نداد، بلکه به تامسن دستور داد تا حکام مرزی را در ادعای مالکیت و حاکمیت بر سرزمین ترکمن‌ها ترغیب نماید. پس از اشغال مرو، تامسون به دولت متبوعش هشدار داد که امکان پیشروی روس‌ها به سوی هرات زیاد است و روس‌ها با استقرار در مرو، فشار مستقیم خود را بر ترکمن‌های ساریک و سالور که در یولاتان و پنج ده، نزدیک منطقه‌ی هرات اقامت داشتند، وارد خواهند آورد تا هم پیمانی و اتحاد آنان را نیز به دست آورده، سرزمینشان را تصاحب کنند و اضافه کرد که چنین پیشرفت و گسترشی مرزهای روس‌ها را در درون هرات به اندازه‌ی هشتاد مایل افزایش خواهد داد. به منظور جلوگیری از چنین خطری دولت متبوعش را به تعجیل، تشویق کرد و اظهار داشت: «در تعیین محدوده‌ی مرزهای قلمرو

1. R.L Greaves, *Persia and the Defence of India 1884, A Study of Foreign Policy of the Third Marquis of Salisbury*, London, 1959, p. 65.

افغان از جانب مرو نباید هیچ زمانی را تلف کرد. زمان طولانیتر از این، دیر است و نامطلوبتر از آن، خط مرزی خواهد بود که ما به دست خواهیم آورد و برای دستیابی به این هدف هر چه زودتر با مذاکرات و مباحثات مستقیم با روسیه، توافقی از لحاظ خط مرزی به دست آوریم، به صورتی که روس‌ها را به قدر لازم و تا حد امکان از هرات دور نگهداریم.<sup>(۱)</sup>

دولت انگلیس احتمالاً به علت درگیری و مداخله در مصر و سودان، یک بار دیگر در نشان دادن واکنش نسبت به اخطارها و هشدارهای تامسن با تعلل برخورد کرد. روس‌ها وقت را تلف نکرده و به اعمال فشار بر ساریک‌ها و سالورها پرداختند. ژنرال کوماروف مختم قلیخان را که نقش مهمی در تسلیم مرو به روس‌ها ایفا کرده بود، به یولاتان و پنجاه اعزام داشت که ساریک‌ها و سالورها را به هم پیمانی و اتحاد با روس‌ها ترغیب و راضی نماید.

به مجرد ورود مختم قلی خان به یولاتان از طرف ساری خان سرکرده ساریک‌ها به او اطلاع داده شد که ساریک‌ها در حال حاضر حاکمیت افغان را پذیرفته، و هیچ تمایلی به تبعه روس شدن ندارند<sup>(۲)</sup>. مع هذا روس‌ها به تحریکات و اعمال فشار بر ساریک‌ها و سالورها افزودند. در اوایل ماه ژوئن ۱۸۸۴ شاهزاده دوندوکف - کورساکف\* حاکم جدید کل قفقازیه از مرو دیدار کرد. وی طی پنج روز اقامتش در مرو نسبت به رهبران ترکمن بسیار سخاوتمند بود. درجه کلنلی را به باباخان، همانند

1. Thomson to Granville, Tehran, No 40, March 7, 1884, *Secret Letters...*, 9/140.

2. Ibid.

\*. Dondukov-Korsakov

یک افسر روسی اعطا نمود و مختم قلی خان را به عنوان حاکم تاجن، مهنه، دوشاخ و چچک منصوب و هدایای گرانبهایی به برادرش یوسف خان داد. همچنین ضمن بازدید از مقر سکناى بزرگ سالور در نزدیکی مرو، به سران آن قبایل نیز هدایایی اهدا نمود. پس از دیدار شاهزاده کورساکف از مرو، ژنرال کوماروف خط مشی مؤثری را نسبت به ساریک‌ها و سالورها تعقیب کرد. در حالی که مأموران و عمال او در میان ساریک‌ها مشغول فعالیت بودند، خود وی از سرخس، موطن سالورها دیدن کرد. چنان که می‌دانیم سالورها در سال ۱۸۳۲ قبل از لشکرکشی ایرانیان به هرات از سرخس خارج شده بودند، و برای مدتی طولانی سرخس تقریباً به عنوان یک منطقه خالی از سکنه، بین ترکمن‌ها و ایرانی‌ها باقی ماند. اما در سالهای ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ سرخس کهن (قسمت غربی رودخانه هریرود) تدریجاً تحت نفوذ دولت ایران درآمد و سرخس نوین (سمت شرقی هریرود) تحت نفوذ ترکمن‌ها قرار گرفت. علی‌رغم این تقسیم، درگیری‌هایی درباره استفاده از آب رودخانه هریرود مابین بعضی از دستجات کوچک ایرانی و ترکمن‌های مقیم ناحیه وجود داشت. در اوایل ماه ژوئیه ۱۸۸۴، ترکمن‌های مقیم سرخس یک هیأت نمایندگی نزد ژنرال کوماروف اعزام کردند و از وی خواستند تا در مسئله درگیری‌های موجود میان آنها و همسایگان ایرانی‌شان بر سر آنها مداخله نماید<sup>(۱)</sup>.

کوماروف جهت کسب اخبار صحیح درباره درگیری و مسئله ایران - ترکمن، علی‌خائف را به سرخس فرستاد و پس از دریافت اطلاعات لازم

1. The Mashad Agent to Thomson, August 9, 1884, Enclosure in Thomson's No.



شخصاً در ۲۵ ژوئیه ۱۸۸۴ از آن منطقه بازدید به عمل آورد.

هنگامی که ایرانی‌ها نسبت به فعالیتهای روس‌ها در سرخس اعتراض کردند، از طرف مقامات روسی به آنان گفته شد که آن منطقه مقر سکنای ترکمن‌هاست، نه ایرانیان. بالاخره کوماروف نه تنها در حل مسئله و بحث و جدل تقسیم آب به نفع ترکمن‌ها موفق شد، بلکه در استقرار بیش از سه هزار نفر از ترکمن‌های سالور در محدوده سرخس قدیم نیز توفیق یافت.

این سیاست روس‌ها اثر بسیار مطلوبی بر سالورها بخشید. با این روش روس‌ها نه تنها قلوب سالورها را تسخیر کردند، بلکه مرزهای امپراطوری خود را نیز در سمت مشهد گسترش دادند. خط مشی کوماروف به طرفداری از ترکمن‌ها در سرخس، اثر مطلوبی در میان ساریک‌های ناامید از حکومت افغان‌ها به جای گذاشت. ساریک‌ها در اوایل سال ۱۸۸۵ تقریباً یک سال پس از تسلیم شدنشان به حاکمیت افغان‌ها، اندک اندک به این مسئله فکر کردند که خود را از افغانها جدا نمایند. بدین سبب نمایندگانی نزد مقامهای بریتانیا در افغانستان فرستادند و مداخله آنان را در متوقف کردن، رفع بی‌نظمی و دیکتاتوری افغان‌ها از سرزمینشان خواستار شدند. لکن، هیچ پاسخ درخوری به تقاضای آنان داده نشد.

از طرف دیگر افغانها به جای ملایمت کردن فشار از ساریک‌ها خواستند کتباً تأیید کنند که پنجاه جزو قلمرو افغان می‌باشد<sup>(۱)</sup>. ساریک‌ها از امضای چنین مدرکی امتناع ورزیدند. این امر مناسبات افغان - ساریک را تیره‌تر ساخت. در اوایل بهار سال ۱۸۸۵، هنگامی که افسران انگلیسی

1. From Penjdech Correspondent, December 14-21, 1884, Enclosure in Thomson's No. 13 of 1885, *Secret Letters...* 9/141.

وارد مرغاب شدند، ترکمن‌ها امیدوار شدند که دولت انگلیس برای کسب آزادی آنان از دست افغانها، اقدام مجدانه‌ای نماید. لیکن افسران انگلیسی هیچ اقدامی نکردند و در نتیجه ساریک‌ها ترجیح دادند تا با روس‌ها وارد مذاکره شوند<sup>(۱)</sup>.

در اوایل سال ۱۸۸۵ ساریک‌ها و سالورها در برابر ژنرال کوماروف سر تسلیم فرود آوردند و تقاضای حمایت روس‌ها را علیه تجاوزات افغان‌ها نمودند. این دقیقاً همان چیزی بود که روس‌ها می‌خواستند. وضعیت و موقعیت روس‌ها، دیگر از لحاظ سیاسی مستحکمتر گردیده بود. روس‌ها فوراً حرکت کردند. کوماروف به افغان‌ها گفت که پنجاه یک سرزمین ترکمنی است و هیچ ارتباطی با افغانستان ندارد و هشدار داد که در امور پنجاه هیچ‌گونه مداخله‌ای نمایند.

افغان‌ها به این اظهار روس‌ها، با افزایش تعداد نیروهایشان در آق‌تپه پاسخ گفتند. آق‌تپه در زاویه جنوبی دره پنجاه واقع، و از نظر استراتژیکی یکی از نقاط بسیار مهم بود. وضعیت رو به وخامت گذاشته بود و طرفین خود را برای جنگ آماده می‌کردند. در سی‌ام ماه مارس ۱۸۸۵، جنگ در دره پنجاه به وقوع پیوست. نیروهای روسی - ترکمنی خسارات و لطمات سنگینی بر قوای افغان‌ها وارد آوردند. افغان‌ها ناگزیر با برجای گذاردن نهصد جنازه، از صحنه جنگ پا پس کشیدند<sup>(۲)</sup>. برخورد و درگیری روس - افغان بر سر دره پنجاه مداخله فوری را از طرف بریتانیا ایجاب کرد. خطر

1. The Mashad Agent to Thomson, August 8, 1885, Enclosure in Thomson's No. 104 of 1885, *Secret Letters...* 9/141.

2. R.L., Greaves, *Persia and the Defence...* p.71.

به وجود آمده قبلاً از طرف تامسن پیش‌بینی شده بود. ولی هیچ اقدامی برای جلوگیری از آن صورت نگرفته بود.

این بار از طرف شاهزاده و ولیعهد هندوستان اقدامهای دیپلماتیک برای حل و فصل صلح‌جویانه مسائل صورت گرفت. آنان به روس‌ها پیشنهاد کردند تا طرفین یک خط مرزی بین استانهای شمالی افغانستان و آسیای مرکزی روسیه تعیین کنند. به این منظور که از هر پیشروی ناخوشایند و اختلاف بین روسیه و بریتانیا ممانعت به عمل آید. روس‌ها پیشنهاد انگلیسی‌ها را پذیرفتند و دو طرف موافقت کردند که کمیسیون دو جانبه برای تعیین خط مرزی برقرار کنند.<sup>(۱)</sup>

کمیسیون مرزی انگلیس تحت ریاست ژنرال لومزن\* در پائیز سال ۱۸۸۴ میلادی وارد مرز افغان شد. معذالک روس‌ها اعزام نمایندگان کمیسیون خود را به تأخیر انداختند. با این امیدواری که طی این مدت ژنرال کوماروف بتواند شرایط مناسبتری را برای روس‌ها ایجاد نماید. تأخیرهای تاکتیکی روس‌ها با بیماری ناگهانی سرپرست و رئیس کمیسیون مرزی مقارن گردید و این مسئله عذر و بهانه‌ای مناسب برای به تعویق انداختن مذاکرات بود و مذاکرات بنابر خواست روس‌ها تا بهار سال ۱۸۸۵ میلادی به تأخیر افتاد.

در این هنگام اکثر مقامهای بریتانیایی از نیرنگها و اطمینان خاطر دانه‌های مکرر و دروغین روسیه خشمناک بودند. حتی گلاستون\*\* غمخوار مشهور روسیه به اصطلاح مأمور «متمدن» در آسیای مرکزی

1. Ibid, p. 69.

\*. Lumsden

\*\* Gladstone

درباره تجاوزهای اخیر روسیه در آسیای مرکزی به شدت غضبناک شد و دولت را به مقاومت و ایستادگی در مقابل روس‌ها ترغیب کرد<sup>(۱)</sup>.

پایداری و استقامت دولت انگلیس، این بار منتج به نتیجه شد و روس‌ها ناچار به تسلیم شدند و پیشروی خود به سوی هرات را متوقف کردند. سرانجام مذاکرات آغاز شد و پس از مباحثات فراوان طرفین به یک توافق دوجانبه در مورد مرز روسی - افغانی رسیدند<sup>(۲)</sup>.

موافقتنامه توسط بریتانیا، افغانستان و نمایندگان روس در ماه اوت ۱۸۸۷ به امضاء رسید. بدین قرار، این موافقتنامه نه تنها به استقلال ترکمن‌ها خاتمه داد، بلکه به رقابتهای روس و انگلیس نیز در آسیای مرکزی پایان بخشید.

1. OP.Cit. pp. 76.

2. Ibid, pp. 70-139.

برای اطلاعات کامل در باب چگونگی مذاکرات و ترسیم خط مرزی و نحوه اعمال

فشارهای بریتانیا بر روسیه ترک‌به: پانویس شماره ۴۱.

R.L., Greaves. *Persia and The Defence of India 1884-A Study of Foreign Policy of the Third Marquis of Salisbury*, London, 1959, pp. 70-139.